



عوامل موثر در افزایش جرم و بزهکاری از دیدگاه اسلام

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۱۵)

یوسف محمودی

عباس خلفیان

مهدی پایاب

چکیده

اسلام به عنوان کامل‌ترین و آخرین دین آسمانی سعی کرده است که تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها را پوشش داده و در مسیر رسیدن به کمال انسان‌ها همراهی نموده و همواره راهنمایی و هدایت کند، از این روست که خداوند رحمان در آیات مختلف خطرات گمراهی را به انسان یادآور شده و مسیرهای درست را نشان داده است. اسلام در دو بعد شخصی و اجتماعی دستوراتی را برای بندگان خویش صادر نموده و رهنمودهایی را بیان فرموده است. در مورد علل و زمینه‌های وقوع جرم و دلایلی که باعث افزایش یا کاهش بزهکاری در یک جامعه می‌شود، جامعه‌شناسان معمولاً عوامل اجتماعی و محیطی را از عوامل شخصی مجزا نموده و بصورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: جرم و بزهکاری، فقر، علل افزایش جرم، بزه دیده، اصلاح مجرمین



بخش اول: کلیات

یکی از وجوه تمایز انسان از حیوان، آرمان پرستی و وجود عامل ایمان در انسان است، به طوری که این عامل وجه جدایی ناپذیر از او می‌باشد. بشر با هر گونه مسلک و مرام مذهبی، دارای ایمان و اعتقادات به یک منبع و مرجعی خاص است که با او زندگی می‌کند و با آن از دنیا می‌رود. انسان هرگز نمی‌تواند بدون داشتن ایمان و اعتقاد، زندگی سالمی داشته باشد و یا کار مفید و ثمربخشی برای هم‌نوع و جامعه خود انجام دهد. بشر بدون ایمان یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی در می‌آید که هیچ وقت از لاک منافع فردی و شخصی خود خارج نمی‌شود و یا به صورت موجودی مردد و سرگردان که تکلیف خویش را در زندگی در مسایل اختلاقی و اجتماعی نمی‌داند تبدیل می‌شود. انسان اگر به مکتب و عقیده ایمان داشته باشد، تکلیفش روشن و همواره در مسایل و پیش آمدها، به مسیر صحیح و درست گام بر می‌دارد و هدف و غایت زندگی برای او واضح و روشن است و با آن هدف زندگی می‌کند و می‌میرد. آن چیزی که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک موجود هدفمند، با مسئولیت، با اراده و تعصب در آورد، گرایش‌های ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک موجود هدفمند، با مسئولیت با اراده و تعصب در آورد، گرایش‌های ایمان مذهبی موجب آن می‌گردد که انسان فراتر از منابع و امیال شخصی خود فکر کند و حتی حاضر است در نهایت فداکاری و ایثار جان و هستی خود را در راه ایمان و آرمان خود فدا سازد. تنها نیروی ایمان مذهبی است که قادر است به انسان تقوی و پرهیزکاری ببخشد و او را از همه انحرافات و لغزش‌ها مصون بدارد. در متون اسلامی یعنی قرآن و احادیث تأکیدات زیادی بر روی ایمان و اعتقاد به خالق هستی شده است که دو نمونه آن عبارتند از: خداوند در قرآن می‌فرماید: «مانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند»^۱. در این آیه هدف و مقصود از آفرینش مخلوقات را پرستش و عبادت خود معرفی کرده است و این بدین معنی است که حالت مطلوب و ایده آل برای خلایق، همان

^۱ - سوره مبارکه ذریات، آیه ۵۶



ایمان و باور به ذات بی‌همتای او و عبارت و پرستش آن معبود ابدی و ازلی می‌باشد. در سوره عصر آمده است: «قسم به زمان و روزگار که همانا انسان در خسران و زیانکاری است به غیر از کسانی که ایمان آوردند و نیکوکار شدند و یکدیگر را به راستی (گرویدن به حق) بردباری و استقامت، سفارش کردند». خداوند عزوجل در این سوره به عصر و زمان (که از حقیقی‌ترین و بدیهی‌ترین نشانه‌ها و پدیده‌های خلقت است) قسم یاد می‌کند که شرط مقبولیت و مشروعیت انسان، همانا در درجه اول، ایمان و اعتقاد به خدا می‌باشد.

بخش دوم: جرم و طرق پیشگیری از آن در اسلام

با توجه به اینکه در هر پژوهشی در ابتدای امر به مبانی و تعاریف ابتدایی پرداخته شود از این رو ترجیح داده شد که در این فصل ابتدا به تعریف جرم از وجوه مختلف پرداخته شود و در ادامه نیز به مبحث پیشگیری از وقوع جرم اشاره شود. شاید در بدو امر چنین به نظر برسد که مبحث پیشگیری از وقوع جرم خارج از موضوع پژوهش باشد ولی به نظر نگارنده موضوع علل و زمینه‌های افزایش جرم پیوند‌های ناگسستنی با مبحث پیشگیری از وقوع جرم و همچنین اصلاح مجرمین و بزهکاران دارد به گونه‌ای که لازمه یک پیشگیری مناسب و در خور از وقوع جرم شناخت علل وقوع آن می‌باشد و در غیر اینصورت نتیجه مورد انتظار از سیاست‌های پیشگیرانه اتخاذی حاصل نخواهد شد. در پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پیشگیری و یا اصلاح مجرمین نیز مشاهده می‌شود که فصل یا فصولی را به مبحث علل و زمینه‌های وقوع جرم اختصاص داده‌اند.

بند اول: مفهوم اخلاقی جرم

به نظر علمای اخلاق، قواعد اخلاقی چیزی است که از ندای درونی انسان سرچشمه می‌گیرد. این قواعد بی‌آنکه به دخالت دولت نیازمند باشد، معیار و میزانی برای تشخیص نیکی و بدی و ظلم و عدالت است. از مفهوم اخلاقی جرم انتقاداتی شده است؛ از جمله اینکه هدف حقوق، صرفاً حفظ نظم اخلاقی نیست و اینکه تشخیص نیک و بد رفتار افراد به آسانی برای قاضی ممکن نیست، چون قواعد اخلاقی در هر جامعه، مختص همان جامعه است و جنبه همگانی ندارد. در واقع این قواعد امور نسبی هستند. بی‌تردید از نقش اخلاق در جامعه و تکامل آن نباید



غافل بود، زیرا در جامعه‌ای که مردم پایبند اصول اخلاقی باشند ایجاد نظم به مراتب آسان‌تر و رعایت هنجارهای اجتماعی امکان‌پذیرتر است. از این رو، هیچ قانون‌گذاری از نفوذ اخلاق محیط خود مصون نیست و باید تا حد امکان در تدوین قوانین، اعم از جزایی و مدنی، قواعد اخلاقی را در نظر داشته باشد. عده‌ای می‌گویند جرم یک پدیده اجتماعی است؛ یعنی عوامل فرهنگی، اجتماعی، و محیطی در بروز رفتار مجرمانه مؤثر است. بنابراین، باید در شناخت و تبیین جرم، از روش جامعه‌شناختی سود جست و از مشاهده وقایع، ملاحظات آماری، شرایط زندگی، رابطه بین جرم و سایر عوامل غفلت نکرد. این گروه جرم را چنین تعریف کرده‌اند: «جرم عبارت است از نقض نظام اجتماعی و رفتاری که با ضوابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه مغایرت دارد و احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌سازد.» به عقیده امیل دور کیم، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است که از شرایط فرهنگی و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود و شامل هر عملی است که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند.^۱

بند دوم: مفهوم پیشگیری وضعی و دامنه آن

یکی از شیوه‌های پیشگیری از جرم پیشگیری وضعی است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان در صدد است از ارتکاب جرم توسط افراد جلوگیری کند. تعریف‌های مختلفی از آن مطرح گردیده که برخی از آنها اشاره نموده و با توجه به اهداف و موانع پیشگیری وضعی به تحلیل آنها می‌پردازیم. کلارک در مقدمه کتاب خود تحت عنوان پیشگیری وضعی از بزهکاری؛ مطالعات موردی موفق، که در سال ۱۹۹۲ منتشر گردید، بیان می‌دارد، نظریه پیشگیری وضعی یک روش خاصی اشاره دارد که هدف آن متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد.^۲ در تعریف دیگر آمده است: پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم در صدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه‌زدایی

۱- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۳، **حقوق جزای عمومی**، ج ۲، تهران، نشر داد، چاپ دوم، ص ۹-۱۰

۲- صفاری، علی، "مبانی نظری پیشگیری از جرم"، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۳۴-۳۳، ص ۲۹۱



از آن وضعیت پیش جنایی، آمار جرایم را مهار کند.^۱ پیشگیری وضعی با تعریف‌های که از آن به عمل آمده شامل دو دسته تدابیر و اهداف است: دسته اول تدابیری که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا لاقفل دشوار نمودن آن هستند که در تعریف اول بیشتر مورد توجه واقع شده است باشد مانند سخت کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه دیدگان بالقوه. دسته دوم تدابیر و شیوه‌هایی که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک کننده محیطی در صدد است از تصمیم نهایی مجرم و گذار او از اندیشه به عمل جلوگیری کند. با توجه به این دو هدف که تعیین کننده دامنه و گستره پیشگیری وضعی نیز هستند. محققان، امروزه غالباً در بیان اهداف و تعریف پیشگیری وضعی، آنها را مد نظر قرار می‌دهند و به این نکته اشاره می‌کنند که پیشگیری وضعی در صدد است تا با محدود نمودن دسترسی و کاستن از جذابیت‌ها، فرصت‌ها را برای فعالیت‌های مجرمانه کاهش دهد.

بخش سوم: علل افزایش جرم و بزهکاری از دیدگاه جامعه شناسی حقوقی و

اسلام

در مورد علل و زمینه های وقوع جرم و دلایلی که باعث کاهش یا افزایش بزهکاری در یک جامعه جامعه شناسان و جرم شناسان معمولاً عوامل اجتماعی و محیطی و یا شخصی را مجزا نموده و بصورت جداگانه مورد بررسی قرار می دهند و یا ترکیبی از این عوامل را در کنار هم مورد بررسی قرار می دهند. در پژوهش حاضر ما ابتدا و در بدو امر به بررسی عوامل افزایش جرم و بزهکاری از دید دو دسته عوامل اجتماعی و عوامل محیطی آن با توجه به رهیافت های نوین جامعه شناسی و جرم شناسی پرداخته می شود و در ادامه به بررسی این عوامل از دیدگاه اسلام و قرآن پرداخته می شود.

بند اول: عوامل اجتماعی و محیطی افزایش بزهکاری

عوامل اجتماعی متعددی وجود دارند که می‌توانند بر بزهکاری تأثیر داشته باشند که در اینجا اجمالاً به دو مورد آنها اشاره می‌کنیم. خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن پرورش

^۲ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشین، ص ۱۴



می‌یابد، نحوه رفتار والدین با کودک در تعیین مسیر روانی و ایجاد حس اطمینان خاطر و اهمیت فرد و نیز بنیان‌گذاری یک شخصیت سالم در آنان اثر بسزایی دارد. اولین الگوهایی که انسان در ابتدای زندگی برای خود برمی‌گزیند، پدر و مادر هستند که حرکت و رفتار آنها در کودک مانند آینه منعکس می‌گردد. آداب و رسوم، نحوه برخورد و ارتباط با محیط و اعضای خانواده یا جامعه و به طور کلی نحوه بسیاری از کنش‌ها یا واکنش‌های اجتماعی را در دوران کودکی از والدین کسب می‌کند.^۱

وضعیت فرد از نظر طبقه خانوادگی، موقعیت اجتماعی خانواده، بهنجار بودن یا نابهنجار بودن خانواده، تعصب‌های وجود در خانواده و مذهب آنان در آینده و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد. اکنون به برخی از نابهنجارهای خانوادگی که در بروز بزهکاری مؤثر هستند، اشاره می‌کنیم. تربیت غلط والدین می‌تواند در آینده کودکان تأثیر گذاشته و موجب بزهکاری آنان گردد. والدینی که خودکامه، سهل‌انگار و یا فاقد هماهنگی در تربیت کودکان هستند، احتمال بزهکاری کودکان آنان بیشتر است، نظم و انضباط بیش از اندازه، استفاده از تنبیه بدنی و ارتباط ضعیف میان والدین و فرزندان، طرد طفل، سرزنش بیش از حد کودک و حتی گاهی بیش از حد و افراطی به کودک می‌تواند منجر به بزهکاری آنها گردد. لازم به یادآوری است که کودکان بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند، کوچکترین غفلت در تربیت آنان عواقب جبران‌ناپذیری را در بر خواهد داشت. بنابراین والدین همواره باید کودکان خود را حمایت نموده و آنان را به حال خود رها ننمایند.^۲ عدم حضور یکی از والدین یا هر دو ممکن است به دلیل فوت، متارکه، محبوس شدن یا اشتغال به کار باشد. عدم حضور یا سرپرستی والدین یا یکی از آنها به هر علتی که باشد می‌تواند احتمال بزهکاری کودکان رشد یافته در آن محیط را افزایش دهد، زیرا این کودکان بیشتر از دیگر کودکان با شکل‌های اقتصادی و تربیتی و خلأهای عاطفی مواجه هستند. منبع و هسته بزهکاری به عادت و تکرار جرم رها کردن کودک است که به صورت

^۱ - ماروانی، سیروه، **سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، آزاد تهران مرکز،

۱۳۸۴، ص ۴۶

^۲ - منبع پیشین، ص ۴۷



همه جایی درآمده است؛ محصول صنعتی شدن عصر حاضر است. زیرا مرد و زن شب و روز کار می‌کنند. در نتیجه، از مراقبت و سرپرستی کودکان خود و زندگی خانوادگی باز می‌مانند و فرزندان ناگزیر در گرد و خاک کوچه‌ها بزرگ می‌شوند و به گدایی عادت می‌کنند. دست به دلدزدی می‌زنند و به جرایم علیه عفت خو می‌گیرند.^۱ جدایی بین پدر و مادر علاوه بر آن که طفل را دچار کمبود عاطفی می‌نماید منجر به سرگردانی کودکان نیز می‌گردد زیرا کینه و عداوت موجود در بین اعضای خانواده منجر به از بین رفتن آرامش یا احساس امنیت اطفال گردد. عده‌ای از جرم‌شناسان نیز فاصله طبقاتی را موجب بروز بزهکاری می‌دانند و برای سایر عوامل نظیر اخلاق و خانواده و غیره اهمیت چندانی قائل نیستند.^۲ یکی از معضلاتی که از اقتصاد ضعیف کشورها ناشی می‌شود، مسئله بیکاری است. بیکاری به عنوان شاخص بحران اقتصادی در مطالعات جرم‌شناسی مطرح است. بیکاری موجب بروز مشکلات اقتصادی و فقر می‌گردد. در نتیجه اشخاص بیکار برای رفع حوائج و نیازهای اولیه دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

اقتدار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه که از فرصت‌های شغلی محرومند و برای تأمین مایحتاج اولیه زندگی آنها موقعیت و فرصتی در نظر گرفته نشده، خود را مورد ظلم و ستم جامعه می‌بیند و جهت انتقام از جامعه دست به ارتکاب جرایم متخلف می‌زنند. بسیاری از محققان در این که بیکاری پرمعناترین شاخص بحران اقتصادی است متفق‌القولند. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی نیز بیکاری می‌تواند عامل عمده‌ای در پیدایش نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه بالا رفتن انواع کج‌روی‌های اجتماعی و بزهکاری باشد. در برخی موارد به ویژه در مورد نوجوانان و جوانان و حتی کسانی که در اثر کمبود کار بیکار هستند. بیکار بودن موجب ایجاد وسوسه بزهکاری است. زمانی که اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از هرگونه مکان‌های

^۱ - گسن، ریموند، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجد ۱۳۸۵ ص ۸۳

^۲ - منبع پیشین، ص ۵۷۱



تفریحی و سرگرمی سالم خالی باشد طبیعی است که گاهی اوقات بخواهند با اعمال معارض با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اوقات خود را سپری نمایند.^۱

بند دوم: ویژگی‌های اجتماعی شهرها

زندگی شهری ویژگی‌های خاص خود را دارد به نحوی که گاهی این ویژگی‌ها زمینه ساز بروز انحرافات و بزهکاری نیز می‌گردد. با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان در جهت تغییر وضعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرایم گام‌های مؤثر و مفیدی برداشت. خصوصیات بیرونی و ظاهری شهرها به عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته از قشرها و گونه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی که دارای مشخصات ویژه نیز می‌باشند باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در شهرهای بزرگ افراد فقط تا جایی که نیاز است با هم ارتباط برقرار می‌کنند و این تماس‌ها بیشتر مقطعی و موردی است. این وضعیت که امروزه در بسیاری از جوامع شهری به چشم می‌خورد عوارض مختلف اجتماعی، روانی، عاطفی، و نظایر آنها را به دنبال آورده است.

۱- فردگرایی

صنعتی شدن و زندگی همراه با تخصص و غرق شدن فرد در زندگی شلوغ و متراکم شهری سبب شده تا پدیده فرد گرایی در نقاط شهری هر چه بیشتر افزایش یابد، شهرنشینان عموماً از خانواده خود و نظام ارزشی گذشتگان پیروی نمی‌کنند و بدین گونه ارزش‌های جدیدی را جستجو می‌کنند که هر چه بیشتر فرد گرایی را در آنها کند.

۲- بحران مسکن،

یکی دیگر از مشکلات زندگی شهری بحران مسکن و کاشانه است که در پی رشد سریع جوامع شهری به اشکال مختلفی بروز کرده است. این پدیده که عمدتاً ناشی از مهاجرت بی‌رویه و افزایش جمعیت است، بیشتر دامنگیر اقشار ضعیف‌تر در جامعه است.

۳- فاصله طبقاتی،

۴- بیکاری و بحران اشتغال،

^۱- ماورنی، ص ۵۱



۵- تحریک اجتماعی،

۶- کمبود احساس هم‌دردی با جامعه ،

۷- پایین بودن وحدت و هماهنگی با خانواده،

۸- سستی در زمینه‌های اخلاقی، شخصیت ناموزون ،

۹- بی‌سازمانی اجتماعی ،

۱۰- ویژگی‌های مربوط به زندگی زناشویی.

کالین و دوبوی^۱ با توجه به درصد بالای بزهکاری در شهرهای ضمن تحقیقی راجع به وضعیت شهرنشینی و توسعه آن به این نتیجه رسیدند که توسعه شهرنشینی ضمن این که نشان دهنده بسیاری از فاکتورهای مثبت در زندگی یک جامعه است، باعث به وجود آمدن مشکلات بسیاری از جمله بزهکاری است در خصوص رابطه میان سکونت در مناطق شهری و ارتکاب جرایم تردیدی نیست چنان که بیشترین ورودی کانون‌های اصلاح و تربیت را ساکنین شهرهای بزرگ تشکیل می‌دهند و بیشترین بزهکار در مناطق حاشیه‌نشین و پر جمعیت سکونت داشته و بیشترین ورودی‌های کانون‌های اصلاح و تربیت با توجه به نوع جرم مرتکب سرقت شده‌اند.^۲

در شهرهای بزرگ به همان اندازه که ضریب اشتغال بالاست و زمینه کار مساعد است به همان اندازه نیز نرخ بیکاری زیاد است. کثرت اموال و کالا و دارایی در شهر، امکان ارتکاب جرم سرقت را بسیار بالا می‌برد. گاهی شمار کالاهای موجود در یک خانه شهری از تمامی آنچه در یک روستا دیده می‌شود ارزش مالی بیشتری دارد، بنابراین زمینه ارتکاب سرقت به لحاظ موجود بودن کالاهای منقول مهیاتر است. علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد عادات مصرفی ساکنین شهرها محرکی قوی برای تمسک به روش‌های گوناگون تهیه نیازمندی‌های ایشان گاهی به طریق نامشروع از قبیل سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و... قرار می‌گیرد، فاصله طبقاتی، نبود کنترل نامحسوس مانند آنچه روستاییان به هم دارند، تضعیف اعتقادات مذهبی

¹-chalin and Dubois

^۲-منبع، پیشین، ص ۵۱



مبین پاره‌ای از دلایل تفاوت نرخ جرایم مالی در روستا و شهر است که البته قابل تسری به سایر تخلفات هم هست.

افزایش بی‌رویه جمعیت می‌تواند عامل بروز جرم باشد. گزارش سازمان ملل متحد تحت عنوان وضعیت جهان در سال ۱۹۹۰ حاکی از آن است که جمعیت دنیا سریع‌تر از آنچه انتظار می‌رود رو به فزونی است. هم‌اکنون در هر ثانیه سه نوزاد متولد می‌شود و به این ترتیب روزانه ۲۵۰ هزار نفر به جمعیت کره خاکی افزوده می‌شود. متأسفانه این افزایش بیشتر در کشورهای فقیر دیده می‌شود. از این رو جهان به خصوص در مناطق شهری با انفجار جمعیت روبروست. در دنیایی که حتی قادر به تأمین بیش از نیمی از نیازهای اساسی جمعیت خود و به خصوص در کشورهای رو به توسعه نیست چگونه می‌توان انتظار داشت رشد بی‌رویه جمعیت فاجعه‌ای برای نوع بشر نباشد؟^۱

جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم شدنش تسلط کمتری بر فرد دارد و در نتیجه دیگر به خوبی گذشته قادر نیست گرایش‌های ضد اجتماعی را که پیدا می‌شوند مهار کند. برای پی‌بردن به این مطلب کافی است شهرهای بزرگ را با شهرهای کوچک مقایسه کنیم. در در روستاها یا شهرهای کوچک هر کسی بخواهد از عادت‌های مردم تخلف کند با مخالفت‌هایی که گاه نیز شدید است رو به رو می‌شود. در شهرها این همان ویژگی بی‌نامی و گمنامی است که به آن اشاره کردیم. هر کوشش برای استقلال عمل و رفتار در حکم رسوایی و بی‌آبرویی در چشم مردم است ولی به عکس در شهرهای بزرگ افراد معمولاً بیشتر از قید و بند عمومی آزادند این امری است که در تجربه ثابت شده است که و در اعتبار آن نمی‌توان تردید داشت.

بخش چهارم: روش‌های اصلاح مجرمان در اسلام و ایران

اصلاح افراد جامعه و بخصوص اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرم و بزه‌کای فاسد شده‌اند و به نوعی برای جامعه خود مضر می‌باشند یکی از اهداف هر نظام و حکومت می‌باشد، دین اسلام به عنوان دینی که مدعی است توانایی اداره یک جامعه را دارا می‌باشد نیز برنامه‌های

^۱ - ستوده، هدایت ا...، ۱۳۸۴، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ اول، ص ۶۴



جامعی را به این منظور تدارک دیده است که شامل دو دسته تدابیر کیفری و غیر کیفری می باشد که در این فصل به آنها می پردازیم.

قانون اساسی نیز در اصول مختلفی به مباحث پیشگیری و اصلاح مجرمین پرداخته و در قوانین عادی نیز به این مباحث پرداخته شده است که در ادامه به تشریح این موارد نیز مبادرت می نمایم. فکر اصلاح مجرمان امر تازه‌ای نیست و از قدیم الایام وجود داشته است. شیوه‌های گوناگون برای نیل به این مهم مطرح شده است که آنها را می توان در سه دسته مطرح کرد. دسته نخست اصلاح از طریق کیفر است؛ توجیه این روش گاهی با نوع عقاید خرافی همراه است بدین معنا که کیفرها ارواح خبیثه را از فرد دور می سازند. گاهی تبیین‌های دیگری از نوع روان‌شناختی شرط گرایی یا شناختی از اصلاح توسط مجازات ارائه شده است. دسته دوم اصلاح در ضمن مجازات کردن است، این دسته از روش‌ها مبتنی بر اجرای کیفر با نفوذ در شخصیت مجرم و تعلیم و تربیت او و آماده ساختن او برای ورود به جامعه با پرهیز از هر گونه رفتار ناپسند است.^۱ محور عمده این روش‌ها حبس است که در ضمن آن برنامه‌های بازپروری نیز به اجرا درمی آید. دسته سوم شیوه‌هایی است که بدون اعمال هرگونه کیفر می کوشند تا فرد را درمان و تربیت و اصلاح کنند. در این مبحث دو دسته نخست تحت عنوان روش‌های کیفری و دسته سوم با عنوان روش‌های غیرکیفری اصلاحی در سیاست جنایی اسلام مورد بحث قرار می گیرند.

بند اول: اصلاح مجرمان از طریق اعمال کیفر

نقش اصلاحی کیفرها را می توان در هدف اصلی کیفرها و نیز دادرسی عادلانه کیفرها و همراه ساختن اجرای کیفرها با مکانیزم اصلاحی و تربیتی و سرانجام استفاده بیشتر از مجازات‌های تربیتی و تأدیبی در سیاست جنایی اسلام مورد بحث و بررسی قرار داد. معمولاً از جمله اهدافی که برای نظام کیفری و قوانین جزایی بیان می شود، هدف اصلاحی و تربیت مجرمان است که کمیت و کیفیت و حتی گاه اصل وجود آن مورد بحث فراوان قرار گرفته است. برخی

^۱ - گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ص ۴۳.



اساساً منکر هدف اصلاح‌کنندگی مجازات‌ها هستند، از نظر اینان مجازات برای سزادهی و در نهایت بازدارندگی فرد و جامعه از ارتکاب جرم وضع و اجرا می‌شود، اما اصلاح‌خواه به معنای به‌سازی و تربیت اخلاق مجرم و خواه به معنای بازپروری، امری است که نباید از کیفرها انتظار داشت و مجازات چنین کارکردی ندارد، نفی اثر اصلاحی کیفرها، مؤید به برخی یافته‌ها و دیدگاه‌های روانشناسی نیز هست، روانشناسان معتقدند که تنبیه و مجازات تنها اثر بازدارندگی دارد و هیچ‌گونه تأثیری در یادگیری رفتار بهنجار ندارد. اثر مجازات این است که رفتار نامطلوب را به طور موقت و برای مدتی واپس می‌زند ولی رفتار تنبیه شده همچنان در خزانه ذهنی فرد باقی می‌ماند و به مجرد کنار رفتن یا تضعیف عامل تنبیه، رفتار نامطلوب مجدداً ظاهر می‌شود.^۱

افزون بر این برخی روانشناسان مانند اسکینر معتقدند که مجازات اثر مخرب دیگری همچون تنفر شخص مجازات‌شونده از مجازات‌کننده، تقلید و یادگیری شاهدان مجازات، پرخاشگری فرد مجازات‌شده را نیز به همراه دارد.^۲ در نقطه مقابل، عمده‌ای دیگر از فیلسوفان و روانشناسان به اثر اصلاحی کیفرها اذعان دارند، قدیمی‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه مجازات را عامل تطهیر و تهذیب روحی و یا معنوی مجرم می‌داند که موجب نجات و رستگاری او می‌شود. در دوران جدید، این امر توجیه روانشناسی نیز یافته است بدین معنا که هنگام ارتکاب جرم فرد احساس گناه می‌کند. اما با مجازات شدن به نوعی آرامش درونی می‌رسد، البته هر چند نتیجه از بین رفتن عذاب وجدان کاهش تشویق‌ها و اضطراب‌ها و در نتیجه کاهش ارتکاب جرایم بیشتر است، از دیدگاه اسلامی نیز از جمله کارکردهای مجازات‌ها، تهذیب و تزکیه و تطهیر شخص مجرم است که البته متفاوت از معنای یاد شده است.

برخی دیگر کارکرد اصلاحی مجازات‌ها را به مفهوم بازپذیری اجتماعی شرطی شده می‌دانند. بر طبق این نظریه هدف از مجازات، ارائه آموزش‌های اخلاقی به مجرم و آگاهیدن او از

۱- سیف، علی اکبر، ۱۳۷۱، **روانشناسی پرورشی**، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، صص ۴۷۵ و ۴۷۴

۲- همان، صص ۴۷۲-۴۷۴



خوب و بد امور نیست، بلکه هدف ایجاد عادت و ثبات رفتاری نسبت به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.^۱

هدف تربیت شهروندی سازگار است، حتی اگر نداند یا باور نداشته باشد که شهروند سازگار بودن و رعایت قوانین و مقررات اجتماعی امری مستحسن و پسندیده است. با تأمل در متون اسلامی می‌توان اهداف و کارکردهای گوناگونی برای کیفرها یافت، کارکردهایی همچون سزادهی، بازدارندگی، حمایت از جامعه، ترمیم و جبران خسارت و اصلاح مجرم. آن چه مهم است این است که کدام یک از این اهداف و کارکردها بر دیگری مطلوبیت بیشتر و ارجحیت دارد؟ در این صورت آن هدف برتر چیست؟ و چندین سؤال دیگر.

نظام کیفری اسلام جزئی از نظام کلی اجتماعی اسلام است، مهمترین هدف اسلام که مورد تصریح قرآن و روایات است اصلاح است که در قالب تعبیری همچون تزکیه، تذهیب، تعلیم و نیز اصلاح بیان شده است و ثمره آن در قرب الهی انسان‌هاست که تکامل حقیقی آنهاست همه نظامات اجتماعی اسلام چنین هدف عالی را دنبال می‌کنند نظام تعلیم و تربیت خانواده، نظام اقتصادی و... همه قوانین را بر اساس این هدف طرح ریزی شده‌اند که انسان به عالی‌ترین کمال حقیقی خویش نائل شود و هر آن چه انسان را از این هدف باز دارد فاسد و باطل است. بنابراین هدف نظام حقوق کیفری اسلام نیز اصلاح به مفهوم فراهم آوردن موجبات تکامل و سعادت حقیقی انسان است. بنابراین اگر قوانین کیفری، انسان را هر چند مجرم از این هدف باز دارد فاسد و باطل است. از سوی دیگر در نظام کیفری اسلام جرم نوعی گناه است که علاوه بر این که مانعی در راه تکامل فرد مجرم است مانعی برای تکامل دیگر انسان‌ها نیز می‌باشد. به همین جهت در شأن قرآن و روایات نوعی ظلم به خویشان است و اولین بزه دیده در واقع خود مجرم است.

«انما بغیکم علی انفسکم: ای مردم سرکشی شما فقط به زیان شماست»^۲.

^۱- ا.ج. اینیک، ۱۳۷۵، **جرم و شخصیت مجرم**، حسن پاشا شریعتی و جعفر نجفی زند، تهران، سخن، چاپ اول

ص ۲۱۸

^۲- سوره مبارکه یونس، آیه ۲۳



«ولا تکسب کل نفس أآا علیها: هیچ کس جز بر زیان خود گناهی انجام نمی‌دهد».^۱

«کل نفس بما کسبت رهینه: هر کس در گرو دستاورد خویش است».^۲

علاوه بر این با ارتکاب جرم ممکن است ظلم و ستم متوجه خاص و یا عموم جامعه می‌گردد. ظلم و ستمی که نوعی تعدی و تجاوز به مواهب و حقوق است که خداوند به آنها اعطا نموده است بنابراین جرم نه تنها موجب آلودگی روحی مجرم، که موجب آلودگی فضای اجتماعی نیز می‌گردد و اگر به نوعی مرتفع نشود نتیجه آن محرومیت بیشتر مجرم و جامعه و بزه‌دیده از کمالات است که خداوند آنها را موجب اصلاح فضای آلوده شده اجتماعی در اثر جرم - نیز مطمح نظر قرار می‌دهد. به تصریح برخی فقها هدف اصلی مجازات‌ها اصلاح مجرمان است.^۳

اما در مجازات‌هایی مانند قصاص، رجم و اعدام چگونه می‌توان تصویری از غایت اصلاح-کنندگی مجازات‌ها ارائه کرد. برخی فقها براین باورند که هدف اصلی کیفرها در اصلاح مجرم است. و اگر چنین هدفی از مجازات‌ها حاصل نیاید حاکم شرع می‌تواند آنها را تبدیل به مجازات‌های اصلاحی نماید.^۴ در حدود وضع این گونه است در قصاص نیز گرچه حق بزه دیده است اما اجرای آن به دست حاکم است و حاکم می‌تواند و بلکه باید بزه‌دیده را به انتخاب جایگزین‌های آن امر نماید و به بیان دیگر او را از اعمال حق خویش منع نماید این منع که منع تکلیفی است رعایت آن بر بزه دیده واجب است و سرپیچی کردن از آن بر بزه دیده حرام است ولی وضعاً می‌تواند، یعنی اگر بزه کار را بکشد قصاص بر او نیست.^۵ به هر روی تفسیر این فقیهان از اصلاح، بقاء و حیات مجرم و بهسازی و بازسازی شخصیت مجرم است. در این صورت جای این سؤال است که چگونه قصاص و رجم و ... می‌تواند موجب اصلاح به

۱- سوره مبارکه انعام، آیه ۶۴

۲- سوره مبارکه مدثر، آیه ۳۸

۳- مرعشی، سید محمدحسن، "اجرای علنی مجازات‌ها"، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال دوم،

ش ۴، ۱۳۸۱، ص ۵

۴- منبع پیشین، ص ۱۰

۵- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۷۷، *بایسته های فقه جزایی*، نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۰۵



معنای بهسازی مجرم گردند در حالی که حیات فرد را از او می‌گیرند پاسخی که می‌توان به این سؤال داد این است که مجرم بالقوه با توجه به مجازاتی که پیش رو دارد، از انجام و به فعلیت رساندن مقصود خویش پشیمان گردد، به بیان دیگر خاصیت اصلاحی این کیفرها نه تنها در اجرای آن بلکه در نفس وضع آنها و احتمال اجرای آنهاست که البته نه مجرمان بالفعل بلکه تنها کسانی را که در آستانه بزهکاری هستند دربر می‌گیرد. برخی پیشوایان دین در ذیل آیه شریفه و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب لعلکم تتقون. فرموده‌اند که قصاص هم عامل حیات برای بزه‌دیده (احتمالی) است و هم برای بزه‌کار احتمالی، زیرا وقتی فردی بداند که چه سرنوشت در انتظار اوست از این کار دست می‌کشد.^۱

البته می‌توان دایره مشمول هدف اصلاحی آیه را به مجرمان بالفعل نیز گسترش داد، با این تبیین که قاتل به علم به اینکه قصاص خواهد شدس در صدد مساعدت جویی از خانواده مقتول برمی‌آید.

رفتارهای خود را اصلاح می‌کند و همین می‌تواند عاملی برای صرف نظر کردن خانواده مقتول از قصاص او باشد بدینسان قصاص عامل حیات قاتل می‌شود، نکره بودن حیات علاوه بر حیات مادی شامل حیات معنوی نیز می‌شود و می‌توان به نقش اصلاحی پی برد. آری برای کسانی که از ارتکاب جرم پروایی ندارند و از اعتماد و حسن نیت جامعه سوئی استفاده می‌کنند دیگر اصلاح آنها معنا و مفهوم ندارد. و لذا این مجازات‌ها در مورد آنها به اجرا درخواهد آمد تا جامعه از آلودگی آنها در امان بماند. به بیان دیگر، اصلاح نسبت به مجرمان اتفاقی و احساس مطرح است و نسبت به تکرارکنندگان جرم و مجرمان حرفه‌ای و حاد اصلاح مطرح نیست. معنای دیگر اصلاح که در روایات نیز مؤیداتی دارد، همان تذهیب و تطهیر روحی مجرم است. گفتیم که از منظر اسلام فرد با ارتکاب به جرم روح و روان خویش را آلوده می‌سازد و از خداوند دور می‌شود. دوری از خداوند، یعنی دوری از همه کمالات و خیرات، در حقیقت با ارتکاب جرم مانعی مهخ بر سر استعدادهای خدادادی خود که موجب تکامل و ترقی معنوی

^۱ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۲ بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۵



او می‌شود، را فراهم می‌آورد و مجازات‌ها، هر نوع مجازات که شارع تجویز فرموده است، در حقیقت برداشتن این موانع و پاک‌سازی شخصیت مجرم است در حدیثی امام علی (ع) می‌فرماید: «ایها الناس لم يتم الحد علی احد قط الاکان كفاره ذلك الذنب كما یجزی الدین بالدين»^۱. مردم هرگز حدی بر کسی جاری نمی‌شود، مگر اینکه آن حد کفاره آن گناه است، همچنانکه دین در مقابل دین است.

بدین سان مجرمی که مجازات می‌شود، همچون یک شهروند است و انسان سالم و ناکرده بزه است و در سرای آخرت از بابت این عمل هیچگونه مانعی برای سعادت او فراهم نخواهد شد. برخی از پژوهشگران هدف اصلاحی و تربیتی در نظام حقوق کیفری اسلام نه برای یکایک مجازات‌ها بلکه از روندی که برای کیفرها وضع شده است، استخراج و تحلیل کرده‌اند. بدینسان هرچند قصاص مجازاتی است که مجرم را از میان برمی‌دارد. اما شریعت به این امر تشویق نمی‌کند و خواستار بقای مجرم مشروط به تربیت و اصلاح اوست. از این دو شارع دعوت به عفو و گذشت می‌کند و جایگزین را برای آن قرار می‌دهد. در جرایم جنسی نیز چنین است. دعوت به بزه‌پوشی توجیه عمل به گونه‌ای که آن را از جرم بودن ساقط کند، پذیرش توبه، عفو، سخت‌گیری نسبت به مجرمان مکرر و سهل‌گیری نسبت به مجرمان اتفاقی و ... همه حاکی از این است که در نظام کیفری اسلام آنچه اصل است فرصت دادن به بزهکار برای اصلاح و بهبود خویشتن است و این را آگرنه از خود کیفرها، بلکه از روند اجرایی و عملی شدن کیفرها می‌توان استنباط نمود.^۲

نتیجه گیری

۱. دانشمندان حقوق جزای عرفی، جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌کنند که از شخص مسئولی سرزنند و قانونگذار برای آن مجازاتی را در نظر گرفته باشد. از این روی طیف

^۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسایل و مستنبط السائل**، قم، مؤسسه آل بیت (ع)، احیاء التراث، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸ ص ۸

^۲- نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید



گسترده ای از فعالیت ها را در بر می گرفت. بنا بر این تعریف جرم با معصیت و گناه در شریعت اسلام که موضوع حدود و تعزیرات اسلامی است و شامل هر گناهی می شود، هرچند جنبه شخصی داشته باشد؛ یعنی مفسده آن متوجه خصوص مرتکب گناه شود، تفاوت دارد. از سوی دیگر مفهوم عرفی جرم شامل جنایات عمدی و خطایی نیز می شود در حالیکه گناه شامل این موارد نمی شود. از این رو موضوع حقوق جزای شرعی اعم از موضوع حقوق جزای عرفی است. زیرا علاوه بر اینکه شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی و جنایات عمدی و خطایی می شود، گناهیانی را که دارای مفسده شخصی هستند نیز دربرمی گیرد؛ برخلاف موضوع حقوق جزای عرفی، که شامل نوع اخیر نمی شود.

۲- پیشگیری از جرم و بزهکاری یکی از مسائل مهم حقوق کیفری، جرم شناسی، سیاست جنایی و علوم اجتماعی و حتی در برنامه ریزی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دولت ها جایگاه ویژه ای دارد و در دنیای امروز با توجه به دور شدن جوامع از مذهب و افزایش جرم و بزهکاری در جامعه جایگاه بالاتری نیز یافته است. بیشتر اندیشمندان علوم فوق همواره نظریاتی را در جهت پیشگیری از جرم ارائه داده و در جهت اجرایی کردن آنها کوشش هایی را داشته اند. برخی تاریخ پیدایش این رشته از جرم شناسی را به تاریخ ساخت اولین قفل و کلید پیوند زده اند. با این حال تا مدت ها اعمال مجازات های رعب آور را بهترین راه برای پیشگیری از جرم از سوی افراد جامعه به شمار می آوردند. برای مثال در قانون حمورابی که قدیمی ترین و کامل ترین قوانین مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش است، مجازات های نسبتاً شدیدی برای جرایم مذکور در این قانون پیش بینی کرده بود. با این حال به مرور و با ورود اندیشمندان به حوزه حقوق کیفری کم کم و به مرور این اندیشه کمرنگ شده و اعمال سیاست های پیشگراانه غیر کیفری جایگاه خود را در بین جامعه پیدا کردند.

۳- البته امروزه پیشگیری از بزهکاری گاهی در یک مفهوم موسع بکار می رود و طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم دربر می گیرد. پیشگیری در مفهوم موسع، اقدامات کیفری را نیز دربر می گیرد. زیرا هدف پیشگیری خاص یا عام از جرم است. در این مفهوم هر آنچه علیه جرم بوده و بزهکاری را کاهش دهد



پیشگیری است. در مقابل، مفهوم مضعیفی پیشگیری است که بر خلاف مفهوم اولیه آن فقط تدابیر غیرکیفری را در برمی گیرد. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می شود که برای مهار بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می گیرد. پیشگیری غیرقهرآمیز نیز بر دو بخش پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می شود. در پیشگیری اجتماعی علل و عوامل جرم را اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، وراثتی، ... مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد و هدف جلوگیری از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد است، اما پیشگیری وضعی در صدد است با تغییر موقعیت ها و فرصت های بزهکارانه ارتکاب جرم را دشوار یا ناممکن نموده و یا در مواردی از تحریک یا ایجاد انگیزه مجرمانه جلوگیری نماید .

۴- در پیشگیری وضعی سعی بر آن است تا با انجام یکسری اعمال و فعالیت های خاص فرصت ارتکاب جرم را مجرمین بالقوه سلب و یا از بزه دیدگان احتمالی حمایت بیشتری به عمل آید. با این حال می توان گفت پیشگیری وضعی شامل دو دسته تدابیر و اهداف است: دسته اول تدابیری که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا لاقلاً دشوار نمودن آن هستند مانند سخت کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه دیدگان بالقوه. دسته دوم تدابیر و شیوه‌هایی که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک کننده محیطی در صدد است از تصمیم نهایی مجرم و گذار او از اندیشه به عمل جلوگیری کند. با توجه به این دو هدف که تعیین کننده دامنه و گستره پیشگیری وضعی نیز هستند. محققان، امروزه غالباً در بیان اهداف و تعریف پیشگیری وضعی، آنها را مد نظر قرار می دهند و به این نکته اشاره می کنند که پیشگیری وضعی در صدد است تا با محدود نمودن دسترسی و کاستن از جذابیت‌ها، فرصت‌ها را برای فعالیت‌های مجرمانه کاهش دهد.

۵- با مراجعه به آیات و روایات در متون معتبر اسلامی و دیدگاه‌های فقهی دانشمندان می-توان به دیدگاه سیاست جنایی اسلام در خصوص این نوع پیشگیری دست یافت با بررسی منابع معتبر اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که سیاست جنایی اسلام بیشترین توجه را به موضوع پیشگیری از جرم داشته تا آن جا که غایت و هدف رسالت انبیا را عبارت از دور نمودن انسان از رذالت تباهی و جرم و سوق دادن او به سمت مکارم و ارزش‌های اخلاقی بر شمرده



است. نمونه هایی از این نوع پیشگیری را میتوان در داستان حضرت خضر مشاهده نمود. با این جا دارد پژوهش های جامعی در این حوزه در حقوق کیفری اسلامی صورت پذیرد تا زوایای مختلف دین مبین اسلام در خصوص این نوع پیشگیری روشن تر گردد.

۶- قرآن بر خلاف دیدگاه برخی مکاتب جرم‌شناسی، که بر پیش‌گیری غیر کیفری اصرار دارند و درصدد حذف مجازات از برنامه سیاست جنایی هستند، مجازات مجرمان را به منظور پیش‌گیری از تکرار جرم توسط خود مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، بایسته و ضروری می‌داند؛ قرآن در راستای انجام رسالت اصلی خویش، بر اصلاح و تربیت اخلاقی افراد و رساندن انسان به مقامات والای معنوی تأکید ویژه‌ای دارد. این امر می‌تواند علاوه بر سوق دادن انسان به سوی کمال نهایی و قرب الهی از ارتکاب جرایم به نحو مؤثری پیش‌گیری نماید. طبق آیات متعدد قرآن، که به طور صریح به اتخاذ تدابیر به حفاظت از مجنی‌علیه و افراد در معرض تهاجم و اموال آنها دستور می‌دهد، این حقیقت به روشنی اثبات می‌شود که شیوه پیش‌گیری وضعی، محصول نظریه‌پردازی متفکران غربی نیست، بلکه قدمت و سابقه این دیدگاه به زمان نزول این آیات برمی‌گردد.

۷- در مقابل پیشگیری اجتماعی ریشه‌های بزهکاری را نشانه می‌رود؛ در حقیقت در پیشگیری اجتماعی قبول می‌نماییم که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند به همین دلیل برای کاهش بزه باید ابتدا عوامل ارتکاب بزه شناسایی شوند و سپس با توجه به آن عوامل سیاست‌های پیشگیرانه در جهت حذف و خنثی‌سازی آن عوامل را در پیش گرفت.

۸- عوامل متعددی باعث افزایش جرم و بزهکاری در جامعه می‌شوند که دین شریعت اسلامی تا حدود زیادی این علل را تحت پوشش قرار داده و بیان نموده و به نوبه خود راه حل‌هایی را برای پیشگیری از آنها و یا برای اصلاح مجرمین ارائه نموده که است.

۹- علل و زمینه‌ای اجتماعی طیف گسترده‌ای از عوامل را پوشش می‌دهند که بررسی همه آنها به صورت مجزا و جداگانه در یک پژوهش میسر نمی‌باشد از این رو این علل را در دسته کلی عوامل خانوادگی و علل و زمینه‌های اقتصادی.



۱۰- در پژوهش صورت گرفته به وسیله ایوب ملکشاهی^۱ با عنوان «بررسی علل اجتماعی بزهکاری اطفال در شهرستان ایلام» نشان داده شد که خانواده دارای بیشترین تاثیر در بزهکاری می باشد به طوری که ۴۵٪ جرایم ناشی از محیط ناسالم خانواده می باشد، درگیری والدین، تعدد و کثرت اولاد، تنبیه و خشونت علیه اطفال، بی سواد و پایین بودن سطح آگاهی های اجتماعی والدین، اعتیاد والدین، بیکاری، فقر خانواده از مهمترین مسائل مبتلا به خانواده های کودکان بزهکار این شهرستان می باشد.



^۱ - ملکشاهی اصل، ایوب، بررسی علل اجتماعی بزهکاری اطفال در شهرستان ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۳، صص ۱۹۲-۱۹۸



منابع و مآخذ

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۷؛ حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، چاپ دوم
- ۲- آشوری، محمد، ۱۳۷۶؛ عدالت کیفری از دیدگاه همورابی، مجموعه مقالات عدالت کیفری، تهران، گنج دانش، چاپ اول
- ۳- آشوری، محمد، ۱۳۷۶؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، چاپ سوم
- ۴- آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول
- ۵- انسلی، مارک، ۱۳۷۰؛ دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
- ۶- انصاری، قدرت اله، ۱۳۸۵؛ تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- ۷- اینیک، اچ. ج، ۱۳۷۵؛ جرم و شخصیت مجرم، حسن پاشا شریعتی و جعفر نجفی زند، تهران، سخن، چاپ سوم
- ۸- بلوک، برنار، ۱۳۸۲؛ کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجد، چاپ چهارم
- ۹- بکاریا، سزار، ۱۳۷۷؛ رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم
- ۱۰- پرادل، ژان، ۱۳۸۱؛ تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول
- ۱۱- حاجی ده آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۰؛ " پیشگیری از جرم "، دانشنامه امام علی (ع)، ، جلد ۵ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
- ۱۲- حسینی، سید محمد، ۱۳۸۳؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت و دانشگاه تهران، چاپ اول



۱۳- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۵؛ مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول

۱۴- دنیس، زابو؛ جرم و عدالت در سال ۲۰۰۰، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات گنج دانش

۱۵- رهامی، محسن، ۱۳۸۱؛ اقدامات تأمینی تربیتی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم
 ۱۶- ستوده، هدایت اله، ۱۳۸۴؛ آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ دوم

۱۷- سیف، علی اکبر، ۱۳۷۹؛ تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه ها و روش ها، تهران نشر دوران، چاپ سوم

۱۸- شاکری، ابوالحسن؛ قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات راجع به قوه قضائیه و پیشگیری از جرم، انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۸۴

۱۹- شیخ الاسلامی، عباس؛ جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تفینی کنونی ایران، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲

۲۰- صالح ولیدی، محمد، ۱۳۷۳؛ حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر داد، چاپ سوم

۲۱- طالبان، محمدرضا، ۱۳۷۶؛ مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول